

چگونگی پدید آمدن شاه و سامانه ی شاهنشاهی

*

پرستش اجداد یا نیاپرستی و آداب و رسوم وابسته به آن در میان همه ایرانیان یا آریاها بوده است و برای نمونه در جنوب ایران و در میان

سومریان یا شومریان ، پیر خانواده که کاهن دین خانوادگی

و سرپرست آتشگاه و اُجاقِ فامیل بود ،

رهبری خانواده را بر عهده داشت .

*

آنها بابا یا آبا و پدران خانواده ها و رییس و بزرگ عشیره بودند که

در نخش مدیر بودند و نه در نخش فرمانده و یا حاکم .

BABA . ABBA

بزرگ خانواده ، نزدیکترین فرد به جد و نیای خاندان است که ادامه

دهنده ی دین فامیل و نگهدارنده ی اُجاقِ خانوادگی بود .

*

در اوستا بزرگ خانواده را نمانوینیتی و در پهلوی مان پت میگویند .

مان به معنی خانواده است و خان و مانِ امروزی از همین است .

پت به معنی بزرگ و سرور است .

ویس به معنی **عشیره** است و **بزرگ** **عشیره** را **ویس پَنیتی**
(در پهلوی **ویس پَت**) میگویند که بعدها به **دهخدا** تبدیل شده است .

VIS PAT

در این زمان هنوز شهرها پدید نیامده بودند .

*

در **گاتا** یا **گاتاها** (یا همان سرودهای **زرتشت**) واژه ی **دهیو** یا **دخیو**
یعنی **ده** و **روستا** ، و **دخیویاتی** یعنی **دهخدا** و **حاکم** **ده** و **روستا** .

*

در جامعه ی ایرانی یا آریایی جایگاه و **مقام** **پدر** **بسیار بالا بوده است و**
در حد خداوندی ست و **دین نیاپرستی** یا **اجداد پرستی** و سپس **مذهب**
خانوادگی و **کاهنی** یا **روحانی گری پدر خانواده و فامیل** ، در همه ی
قوم و تیره ی ایرانی و در همه **فلات ایران** همگانی بوده است

و

آتش و اجاق خانوادگی که **توسط پسر بزرگ** و **به نیابت از جد و نیای**

خانواده یا **عشیره** **نگهداری** **میشد** ، **ستایش** **میشده** **است** .

نیایش اجاق خانوادگی با **مذهب نیاپرستی** (یا **اجداد پرستی**) **ارتباط**

مستقیم **داشته** و **ستایش آتش** **از همین مذهب** **سرچشمه گرفته** **است** .

به هر روی ، ریشه ی حکومت کردن در ایران باستان ، مذهب بوده

است و « کی ها » و **کاوی** ها و یا **گوی** ها

(با **کاوه** اشتباه نشود)

کسانی هستند که از دین خانوادگی و پدران ، قدرت گرفته بودند .

*

بزرگ و رئیس قبیله ، **کاوی** یا **گوی** نامیده میشد .

گوی یا **کی** همان **پدر خانواده** و **روحانی دین خانواده** و

عشیره بوده است که فرمانده و حاکم و **شاه** میشود .

گوی و کاوی و کی همه به معنی **شاه** است .

واژه ی **شاه** در پهلوی ، **شارو** است .

SHARU

*

گوی هوسرو که سپس **کی** خسرو شده است (کیخسرو)

گوی گوات که سپس **کی** قباد شده است (کیقباد)

گوی اوسن . **کی** کاووس (عربها کاووس را قابوس میخوانند)

KI KHOSROW

KI KAVAAD

KI KAAVUS – KEY KAAVUS

این واژه ی **ایرانی** یا **آریایی کی** به معنی **شاه** در زبانهای انگلیسی و لاتین و ژرمنی ، شده است **کینگ** و **کونینگ** .

SHAH

KAABI .KI. KAVI. SHAH.

KING. KOENIG.

به هر روی ، این **کاوی** ها یا **کی** ها یا **شاهان** ، **نخستین کشور جهان** یعنی **ایران** را تاسیس و برپا کردند و از اتحاد و بهم پیوستگی **شاهان ایرانی نخستین کشور جهان** بطور **فدرالی** شکل گرفت .

*

فدرالیسم یعنی **بزرگ شدن** و اتحاد و **بهم پیوستگی** .
مانند کشور فدرال آلمان که جنگ جهانی دوم آنرا دو پاره کرده بود
ولی آلمانها با سیستم فدرالی دوباره بهم پیوستند .
از سرزمینهای مختلفِ اشغال شده بدست اسپانیایی ها و هلندی ها و انگلیسی ها و فرانسوی ها نیز ، پس از اتحاد و بهم پیوستگی ، کشور ایالات متحده آمریکا تاسیس شد .

فدرالیسم نه تنها آنچه که آیت الله بی بی سی میگوید و
 جدایی خواهی و تجزیه تعریفش میکند نیست ، بلکه بزرگ شدن
 و اتحاد و بهم پیوستگی ست .
 به هر روی ، پس از اتحاد شاهان ایرانی و تاسیس کشور ایران ،
 این پیمان خدا ، شاه و اینک کشور ایران بسته ،
 و گفته شد : خدا شاه میهن .
 (با خدشاهی ، اشتباه نشود)

*

برگرفته از کتاب « ایرانیان ، پدر و مادر تمدن آدمیان »

LIRAVIBOOK.COM